

تاریخچه آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران به روایت یک استاد

■ داریوش علیمحمدی

عضو هیئت علمی گروه مطالعات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تربیت معلم

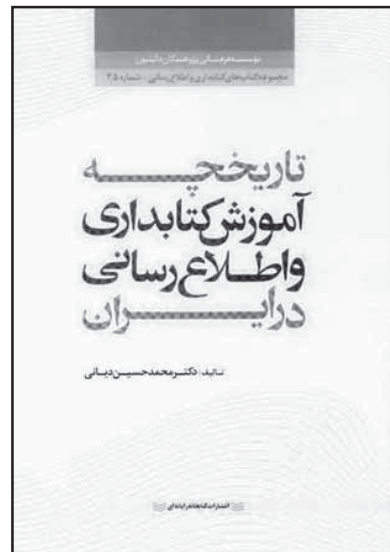
گروهک‌های پس از انقلاب، جریان آموزش دانشگاهی را به مدت چهار سال متوقف می‌کرد. پس از آن، بار دیگر و البته با رشد کمی چشم‌گیر، گروه‌های دیگری تأسیس می‌شد و دوره‌های کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا توسعه می‌یافت. گسترش گروه‌ها و نوسازی برنامه آموزشی، تحولاتی را در آموزش این رشته رقم زده است که شایسته کنکاش هستند. کتاب «تاریخچه آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران» نخستین متنی است که پس از این دوره طولانی، نگاهی گذشته‌نگر به هر یک از مراحل رشد این رشته داشته است.

آشنایی با نویسنده اثر

کتاب تاریخچه آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران را دکتر محمدحسین دینانی استاد بازنشسته دانشگاه فردوسی مشهد به رشته تحریر درآورده است. ایشان کارشناسی و کارشناسی ارشد را به ترتیب در رشته‌های علوم تربیتی و کتابداری در دانشگاه تهران، و دکترای کتابداری را در دانشگاه ایالتی راتگرز آمریکا سپری کرده است. نگارش آثاری که فرآیند رشد یک رشته دانشگاهی را باز می‌نمایند، باید با دقت نظر و اشرافی همراه باشد که تنها از عهده فردی کارکشته برمی‌آید. دکتر دینانی نخستین فردی است که در این رشته به درجه استادی رسیده، و از ابتدا در جریان آموزش رسمی و دانشگاهی کتابداری و اطلاع‌رسانی قرار داشته است. بنابراین، به‌عنوان فردی مطلع این اجازه را داشته که داستان کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران را روایت کند. از این گذشته، توجه به مبحث آموزش رشته، از ابتدا یکی از علائق پژوهشی این استاد به حساب می‌آمده و تا کنون چند مقاله از ایشان در همین باب منتشر شده است.

آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در یک نگاه

این کتاب در حقیقت یک مجموعه مقاله به حساب می‌آید. مقالات مندرج در این اثر را عمدتاً خود دکتر دینانی، و مقالاتی را نیز دکتر فتاحی و دکتر حیاتی نوشته‌اند، و مقالات از یک سیر تاریخی پیروی می‌کنند. فصل اول که در سال ۱۳۶۰ منتشر شده است،



دینانی، محمدحسین. تاریخچه آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران. مشهد: انتشارات کتابخانه رایانه‌ای، ۱۳۸۹. شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۹۶-۲۶-۵

مقدمه

«آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران سابقه‌ای بیش از ۵۰ سال دارد. نخستین تلاش‌ها برای آموزش رسمی و کلاسیک کتابداران به سال ۱۳۱۷ باز می‌گردد» (دینانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳). پس از این تاریخ چند دوره آموزشی کوتاه‌مدت توسط وزارت فرهنگ وقت اجرا می‌شد؛ تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۴۴ و به واسطه حضور اساتید امریکایی در ایران، اندیشه راه‌اندازی دوره کارشناسی ارشد کتابداری شکل می‌گرفت. تأسیس دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران راه را برای ورود اساتید امریکایی، هندی و حتی پاکستانی به ایران باز می‌کرد. در دهه ۵۰ گروه‌های آموزشی در دانشگاه‌های الزهراء (متحدین سابق)، علوم پزشکی ایران، جندی شاپور اهواز، شیراز و تبریز تأسیس می‌شد. حرکت مسلحانه



**این کتاب در حقیقت
یک مجموعه مقاله
به حساب می‌آید.
مقالات مندرج در این
اثر را عمدتاً خود دکتر
دیانی، و مقالاتی را
نیز دکتر فتاحی و دکتر
حیاتی نوشته‌اند، و
مقالات از یک سیر
تاریخی پیروی می‌کنند**

ضرورت آموزش کتابداری را بررسی کرده و مروری تاریخی دارد بر تمدن ایرانی - اسلامی؛ اهمیت کتابخانه‌ها در تمدن اسلامی، کتابداری سنتی در ایران، و مشکلات کتابداری سنتی در مواجهه با تولید فراوان کتاب در ایران از مباحث مقدماتی این فصل است. سپس، نویسنده وظایف کتابداران در کتابخانه‌های کنونی را بررسی کرده، و به‌طور مستدل نشان داده است که چه دروسی باید در برنامه آموزشی این رشته گنجانده شود تا نیازهای مراجعان را در جامعه‌ای که از سابقه تمدنی یاد شده برخوردار بوده و امروزه با شرایط جدیدی مواجه شده است، برطرف سازد.

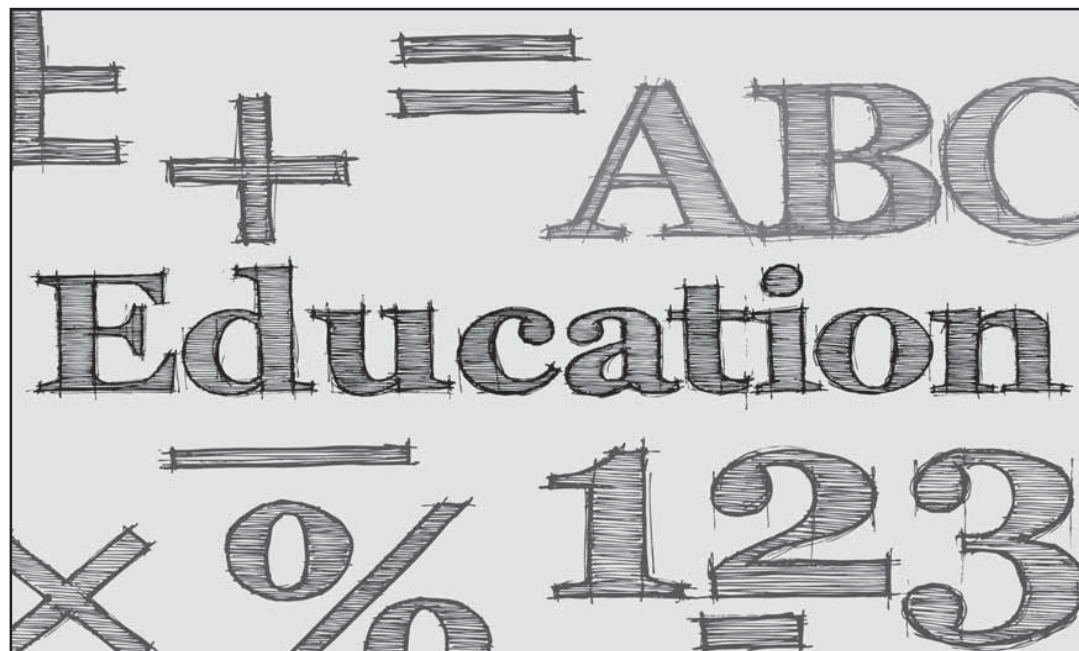
فصل دوم به سه بخش تقسیم شده است. نخستین بخش این فصل به یک معنا بازگشت به گذشته تلقی می‌شود. دکتر دیانی در این فصل مروری از چگونگی شکل‌گیری آموزش رسمی کتابداری در ایران ارائه داده است. وی با اشاره به نخستین دوره آموزشی کوتاه‌مدت که در سال ۱۳۱۷ اجرا شد، محتوای این دوره را معرفی کرده، و سپس دیگر دوره‌های متفرقه را به‌ترتیب اجرا، برشمرده است. تشریح فرآیند آغاز رسمی آموزش کتابداری در دانشگاه تهران و چگونگی توسعه این دوره در دانشگاه‌های مختلف، از دیگر مطالب این فصل است. در پایان این فصل، درباره آموزش کتابداری در سال‌های اولیه پس از انقلاب نیز اطلاعاتی عرضه شده است.

بخش دوم این فصل به دوره‌های آموزشی‌ای که انجمن کتابداران ایران پیش از انقلاب اجرا کرده، اختصاص یافته است. نویسنده این بخش دکتر حیاتی عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز است. وی پیشینه تاریخی کمیته آموزش انجمن را به سال ۱۳۴۵ بازمی‌گرداند، و فعالیت‌های این کمیته در آن زمان را بررسی می‌کند. معرفی اعضا، برنامه‌ها، منابع آموزشی مورد استفاده و نحوه تدوین آنها در کمیته، تجربه اجرای دوره‌ها در کرمانشاه، کرمان، مشهد، اهواز، تبریز، اصفهان، شیراز، و ارزیابی آنها اهم مطالب بخش دوم را تشکیل می‌دهد.

بخش سوم فصل دو مقاله‌ای است که دکتر دیانی در سال ۱۳۶۳ منتشر، و در آن آموزش رسمی کتابداری تا آن زمان را بررسی کرده است. در این بخش، دکتر دیانی با اشاره به ترکیب تحصیلی دانشجویان دوره کارشناسی ارشد کتابداری، تولیدات علمی آنان را ارزیابی کرده است. در پایان، وضعیت موجود و چشم‌انداز آتی برای آموزش کتابداری در ایران از هر دو حیث کمی و کیفی تحلیل شده است.

فصل سوم کتاب مشتمل است بر معرفی و نقد برنامه کاردانی که پس از انقلاب تصویب و به موقع اجرا گذاشته شد. دیانی در این فصل با تبیینی خاص خود هدف برنامه، ساختار و دروس آن، ترتیب اجرای برنامه و محتوای هر درس را بررسی و نقد کرده است. اشاره‌های به‌جای وی در مورد بی‌نظمی در ارائه دروس، عدم تناسب آنها با شرایط کتابخانه‌های ایران، ناتوانی دانشگاه‌ها در اجرای برنامه در طول چهار ترم، و فقدان متون مورد نیاز به‌منظور تدریس قابل توجه است. در ادامه همین فصل دومین برنامه

کاردانی که در سال ۱۳۷۸ تصویب شد نیز به نقد کشیده شده، و مزایا و معایب آن نسبت به برنامه قبلی تشریح شده است. بخش اول از فصل چهارم کتاب مقاله‌ای است منتشر شده در سال ۱۳۷۲ که به بررسی و نقد برنامه کارشناسی کتابداری می‌پردازد. دیانی در این فصل تعریف و هدف برنامه کارشناسی را آورده و به حداقل شرایطی که از طرف کمیته کتابداری وزارت علوم برای اجرای برنامه تعیین شده بود، اشاره کرده است. در ادامه، فهرست دروس تخصصی برنامه کارشناسی، محتوای هر یک و منابع معرفی شده و در دسترس برای تدریس آنها ذکر شده‌اند. سپس، ناهمخوانی در محتوای منابع و عدم توازن برنامه کارشناسی در قیاس با برنامه کاردانی به تصویر کشیده شده است. مباحث این فصل با بررسی دروس پایه دوره کارشناسی و تفاوت‌های غیرمنطقی محتوای آنها در گرایش‌های مختلف ادامه یافته است. بخش دوم این فصل بازچاپ مقاله‌ای دیگر از دکتر دیانی است که در سال ۱۳۷۹ منتشر شد. دیانی در این مقاله پیشنهادهایی برای ایجاد تحول در برنامه کارشناسی ارائه داده است. مبنای این پیشنهادها اجازه‌ای است که وزارت علوم برای روزآمد کردن برنامه به دانشگاه‌های دارای هیئت ممیزه داد. بر این اساس، دیانی و همکارانش در دانشگاه فردوسی مشهد برنامه جدیدی را برای دوره کارشناسی تنظیم کرده‌اند. این مقاله در حقیقت، مشتمل است بر بحثی نظری که لزوم این تغییر را توجیه و یادآوری می‌کند. دیانی ابتدا به تغییر ابزارهای فعالیت حرفه‌ای در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی اشاره کرده است؛ برای مثال، لزوم استفاده از دستگاه‌های ماشین‌نویسی در سالیان گذشته، و استخدام کتابدارانی



در مجموع، مطالعه این اثر به دانشجویان سال اول دوره کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشجویان دوره کارشناسی ارشد که درس مبانی کتابداری و اطلاع‌رسانی را طی می‌کنند، و محققان این حوزه، پیشنهاد می‌شود

دروس برنامه قبلی را با ذکر محتوا و ضرورت استفاده از آن یادآور شده، و در مورد هر درس توجیهات منطقی را یادآور شده است. بخش چهارم جدیدترین برنامه کارشناسی را که در سال ۱۳۸۸ تصویب شده است، مورد بررسی و نقد قرار می‌دهد. دینانی در این بخش فهرست دروس را آورده، و سپس به ترتیب اشاره کرده که هر درس جایگزین چه درسی از برنامه قبلی شده، و نیز با توجه به محتوای هر درس جدید کدام متون را می‌توان مورد استفاده قرار داد. همپوشانی محتوای دروس برنامه جدید و مشکلات احتمالی برخی دانشگاه‌ها در تدریس آنها از دیگر مباحث این بخش است. اولین بخش فصل پنجم کتاب برنامه کارشناسی ارشدی را که تا سال ۱۳۷۵ اجرا می‌شده، معرفی کرده است. در این بخش فهرست دروس و سرفصل‌های هر درس عرضه شده‌اند. این بخش در واقع مقدمه‌ای است تا نویسندگان در بخش دوم به تفصیل برنامه کارشناسی ارشد جدید را معرفی و امتیازات آن را نسبت به برنامه قبلی برشمرد. در بخش دوم فهرست دروس کارشناسی ارشد در گرایش‌های مختلف آمده است. سپس، محتوای هر درس با درس پیش‌نیاز یا نظیرش در برنامه کارشناسی مقایسه شده و همپوشانی احتمالی یا متغیر بودن محتوای آن مورد بحث واقع شده است. دینانی در این فصل در قالب جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، دیدگاه خود را درباره آموزش کتابداری در دوره کارشناسی ارشد عرضه کرده است. بخش سوم این فصل در واقع گزارشی است از یک طرح پژوهشی که به منظور نو کردن برنامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد اجرا شده است. در ابتدا، مسائل و مشکلات آموزش این رشته در مقطع کارشناسی ارشد ذکر و لزوم بازنگری در برنامه توجیه شده است. سپس، هدف‌ها و چارچوب‌های نظری این تغییر بررسی شده‌اند. در مجموع، پنج توانایی برای هر یک از دانش‌آموختگان دوره کارشناسی ارشد در نظر گرفته و مقرر شده است

که مهارت کار با این دستگاه‌ها را داشته باشند، و در نقطه مقابل، جایگزینی رایانه‌های امروزی و ضرورت استخدام کتابدارانی که مهارت کار با آنها را داشته باشند، به عنوان یکی از مظاهر این تغییر در ابزارها یادآوری شده‌اند. وی بر این اساس پیشنهاد می‌کند که به جای دروس ماشین‌نویسی می‌توان حروفچینی رایانه‌ای و واژه‌پردازها را جایگزین کرد. دومین بحث دینانی در این مقاله، تشدید نیاز به استفاده از برخی ابزارها است. نمونه‌ای که دینانی ذکر کرده زبان انگلیسی به عنوان ابزار کار در محیط کتابخانه‌ها است. وی استدلال می‌کند که با توسعه شبکه‌های رایانه‌ای و تسهیل دسترسی به اطلاعات از این طریق، کتابداران چاره‌ای ندارند جز اینکه مهارت خود را در زبان انگلیسی تقویت کنند تا بتوانند در دنیای شدیداً متحول کنونی از طریق ارضاء مناسب نیازهای اطلاعاتی کاربران جایگاه خود را در زنجیره اطلاعات حفظ کنند. این مبنا دینانی را بر آن داشته تا پیشنهاد کند که به جای دروس زبان خارجه دوم که در دانشگاه‌های مختلف بسته به امکانات هر دانشگاه عربی، فرانسوی یا آلمانی بوده، زبان انگلیسی تدریس شود. سومین و چهارمین اشارات نویسنده به کاهش جنبه عملی برخی از دروس، همچون آمار و تقویت جنبه نظری آنها معطوف شده است. همچنین، ماشینی‌شدن قواعد سازماندهی دینانی را بر آن داشته که نیاز به فراگیری مجموعه‌ای از مهارت‌های سازماندهی را زیر سؤال ببرد. با توجه به موارد بالا، تغییراتی در دروس آمار و سازماندهی پیشنهاد شده است. در پایان این مقاله، تغییر شکل منابع اطلاعاتی مورد توجه قرار گرفته و تغییراتی در دروس مرجع و فراهم‌آوری توصیه شده است. سومین بخش فصل چهار کتاب به معرفی برنامه کارشناسی جدیدی اختصاص یافته که در دانشگاه فردوسی مشهد طراحی و اجرا شد. دینانی در این مقاله جایگزینی هر درس به جای یکی از

که برنامه پیشنهادی بتواند از ورودی این دوره چنین فردی را بسازد. برای اجرای این طرح، محققان برنامه کارشناسی ارشد دانشگاه‌های خارجی را بررسی کرده، در چارچوب مصوبات وزارت علوم برنامه‌های پیشنهادی خود را تدوین و در چند مرحله آنها را به شور و بررسی گذاشته‌اند. در نهایت، دو گرایش مدیریت اطلاعات و مدیریت فناوری اطلاعات برای تصویب به دانشگاه فردوسی عرضه شده‌اند. دینی در این بخش فهرست دروس هر دو گرایش و طول دوره را عرضه کرده است.

نخستین بخش فصل ششم کتاب که در حقیقت نسخه ویرایش شده مقاله‌ای از دکتر حیاتی است، چگونگی شکل‌گیری دوره دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی را تشریح می‌کند. این فصل با روایت اقدام دانشگاه آزاد در راه‌اندازی دوره دکترای و تصمیم مشابه دانشگاه تهران در همین زمینه آغاز شده است. تدوین برنامه دکترای در کمیته کتابداری وزارت علوم، و در نهایت مخالفت با درخواست دانشگاه تهران بخش دیگری از مطالب این فصل است. اعزام دانشجو به خارج از کشور، پیگیری دینی برای راه‌اندازی دوره دکترای در داخل ایران، همکاری دانشگاه‌های شیراز و اهواز برای راه‌اندازی دوره، انتقال دینی به دانشگاه فردوسی مشهد، تلاش دکتر مهرداد در دانشگاه شیراز، تفاهم‌نامه دانشگاه‌های فردوسی و شیراز، اولین آزمون دکترای داخل، و نتیجه آن پیمان‌شکنی دانشگاه شیراز و جذب مستقل دانشجویان دکترای در مشهد از دیگر مباحث این فصل است. در پایان، فهرستی از دانش‌آموختگان و دانشجویان دکترای دانشگاه‌های فردوسی، اهواز و تهران عرضه شده است. در بخش دوم دینی جمع‌بندی کلی خود از آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران، و دلایل کمی و کیفی پیشرفت این رشته در ایران را عرضه کرده است. در عین حال، برخی از کاستی‌ها و دشواری‌ها همچون محتوای نامناسب برخی دروس، ضعف دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته در زبان انگلیسی، و ذهنیت ثابت گروهی از مدرسان یادآوری شده است. سومین بخش فصل ششم و در واقع آخرین مطلب کتاب حاضر، فهرست گروه‌هایی است که در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای اقدام به پذیرش دانشجو می‌کنند.

آنچه این کتاب را خواندنی کرده است

کتاب تاریخچه آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران، نخستین متنی است که به‌طور مستقل در این باب به‌رشته تحریر درآمده است. تا کنون مقالاتی به‌زبان‌های فارسی و انگلیسی توسط دانشجویان، دانش‌آموختگان و مدرسان کتابداری و اطلاع‌رسانی ایرانی و غیرایرانی در مورد آموزش این رشته ارائه و منتشر شده است. اما این مقالات عموماً در دسترس همه علاقه‌مندان نیستند، به‌ویژه اگر مدت زمانی از عرضه آنها گذشته باشد. نخستین مزیت کتاب حاضر آن است که نوشته‌های منفک از یکدیگر - اما از لحاظ معنایی در ارتباط با هم - را در یک محمل گردآوری و ارائه کرده است. دومین نقطه قوت کتاب دکتر دینی، فصل اول این کتاب

است. برای دانشجویان امروز ضروری است که بدانند کتابداری حرفه‌ای کاملاً وارداتی نبوده و نیست. اهمیت بسیار زیادی دارد که همه ما بدانیم این کشور چه دوره درخشانی را در علم و فناوری سپری کرده است. اینکه حملات پی در پی مغولان نابودی مدنیت ایرانی را سبب شد، و پس از آن حکمرانان این سرزمین فاقد درک اولیه از جایگاه رفیع دانش و دانشمند بوده‌اند و کشور برای چند قرن سیر قهقرایی طی کرده، نباید باعث شود که ما به‌عنوان دانشجوی این رشته نسبت به ریشه تاریخی خود غافل باشیم. سومین مزیت این اثر پیوستگی تاریخی و در عین حال دانشگاهی فصل‌ها با یکدیگر است. دکتر دینی به‌خوبی توانسته روند رشد آموزش رشته در مقاطع مختلف تحصیلی، و نیز چالش‌های آن در ادوار گوناگون را مرور کند. خواننده این متن از مطالعه آن خسته نخواهد شد؛ زیرا هر فصل توالی منطقی فصل قبل از خود است و اینها در کنار یکدیگر شناخت جامعی را از زمینه مورد بحث سبب می‌شوند. چهارمین نقطه قوت کتاب استفاده از قلم دو تن از اساتید مجرب و زحمت‌کش رشته است. از این نظر نیز باید کار دکتر دینی را شایسته تقدیر دانست، که حلقه‌های خالی این زنجیره یا به بیان دیگر قطعات گمشده پازل را با استفاده از مقالات مرتبط تکمیل کرده است. در این اثر نام بسیاری از افرادی که در دوره‌های مختلف اثرات چشمگیری بر رشد این رشته داشته‌اند، ذکر شده و این خود ماندگاری کتاب را سبب خواهد شد. همچنین، نگاه تیزبین و موشکافانه نویسنده که همچون رشته‌ای نامرئی در جای جای متن گسترده شده به خواننده جوان کمک خواهد کرد نسبت به رشته و حرفه با دیدی انتقادی و البته سازنده، قضاوت عادلانه‌ای داشته باشد. در مجموع، مطالعه این اثر به دانشجویان سال اول دوره کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشجویان دوره کارشناسی ارشد که درس مبانی کتابداری و اطلاع‌رسانی را طی می‌کنند، و محققان این حوزه، اکیداً پیشنهاد می‌شود.

آنچه باید در ویرایش بعدی اثر لحاظ شود

با این حال، می‌توان برخی پیشنهادها را مورد توجه قرار داد. فصول کتاب از لحاظ رعایت استنادات از رویه یکسانی تبعیت نمی‌کند. برخی فصول دارای استنادات درون متنی و ارجاعات پایانی هست، در حالی که در برخی دیگر ارجاعات انتهایی فصل دیده نمی‌شود؛ هرچند استنادات درون متنی مورد استفاده واقع شده باشد. برای نمونه بنگرید به صفحه ۱۱۹ کتاب. بهتر است در ویرایش بعدی مجموع استنادات اثر به‌صورت درهم‌کرد و یکجا در پایان کتاب قرار گیرد تا علاقه‌مندان به مبحث آموزش رشته، کتاب‌شناسی کاملی از آثار مرتبط را در اختیار داشته باشند. بهتر بود آخرین بخش کتاب یعنی فهرست گروه‌ها به‌عنوان پیوست به متن افزوده می‌شد. همچنین، متنی که در آن اسامی افراد و سازمان‌های متعدد دخیل در یک فرآیند دست کم ۴۰ ساله ذکر شده، بهتر است نمایه داشته باشد.

برخی فصول دارای استنادات درون متنی و ارجاعات پایانی هست، در حالی که در برخی دیگر ارجاعات انتهایی فصل دیده نمی‌شود؛ هرچند استنادات درون متنی مورد استفاده واقع شده باشد